



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

نشانی: تهران، فلکه صد صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
کد پستی: ۱۴۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۴۴۹۵۶۱۰۱-۷
تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹
چاپ: جام جم
توزیع: شرکت دنیای اقتصاد تابان
تلفن: ۸۷۷۴۲۰۰
امور شهرستانها: ۸۷۷۴۲۰۱
تلفن سازمان آگهیها: ۴۴۹۵۶۲۰۰-۲
فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میشاق نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه شهرود
را در سایت بخوانید

http://shahrvand-newspaper.ir/
Misagh_Name

telegram.me/Shahrvand_Newspaper
instagram.com/Shahrvand-Newspaper

صفحه
آخر

تقویم تاریخ

این شرحی نهایت

خوشبخت‌ترین مردم کسی است که از آنچه می‌داند برایش زبان‌آور است دوری کند و بدبخت‌ترین کسی است، که از هوای نفس خود پیروی کند.

امام‌علی (ع)

غلام عشق

به رخت چه چشم دارم که نظر دریغ داری
به رخت چه گوش دارم که خبر دریغ داری
نه منم که خاک را هم ز بی سسگان کویت
نه تو آفتابی از من چه نظر دریغ داری
تو چه سرکشی که خاکم ز جفا به باد دادی
تو چه آتشی که آیم ز جگر دریغ داری
ندهیم تار مویی که میان جان بیندم
نه غلام عشقم از من چه کمر دریغ داری
دم وصل را نخواهی که رسد به سینه من
نفس بهشتیان را ز سقر دریغ داری
دل کشته من این‌جا به خیال توست زنده
چه سبب خیالت از من به سفر دریغ داری
به امید تو بسا شب که به روز کردم از غم
تو چرا نسیمت از من به سحر دریغ داری
کم من گرفتی آخر نبود کم از سلامی
به عیار نیک مردان کمی از دریغ داری
سوی تو شفیع خواهم که برم برای وصلی
نبرم شفیع ترسم که مگر دریغ داری
چه طمع کنم کنارت که نیرزمت به بوسی
چه طلب کنم مفرح که شکر دریغ داری
به وفاتش کوش خالقانی اگر چه درنگبرد
نه که دین و دل بدادی سر و ز دریغ داری
خاقانی شروانی

قاب کوچک

رخداد
انجام نخستین استیضاح در تاریخ ایالات متحده آمریکا و تیره سناتور ایالت تنسی از اتهامات خود (۱۷۹۹ میلادی)
انتشار رمان گوزبشت نتردام از سوی نویسنده شهیر فرانسوی ویکتور هوگو (۱۸۳۱ میلادی)
تشکیل کنفرانس گازابلانکا در جریان جنگ جهانی دوم، با حضور فرانکلین روزولت و ونستون چرچیل (۱۹۴۳ میلادی)
انتصاب آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به امامت جمعه تهران توسط امام خمینی (ره) (۱۳۵۸ خورشیدی)
تک‌زدن بناویانیدیر اگاندی بر مسند نخست‌وزیری هند (۱۹۸۰ میلادی)

طلوع
ابوالفضل علامی - ادیب، تاریخ‌نگار، منشی اول و معتمد اکبر یکم بزرگترین پادشاه گورکانی هند (۹۲۹ خورشیدی)
محمد ششم - سی‌وششمین و آخرین سلطان امپراتوری عثمانی (۱۸۶۱ میلادی)
یوکیو میشیما - نویسنده، شاعر، نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان نامدار ژاپنی (۱۹۲۵ میلادی)
فی دانایو - بازیگر آمریکایی برنده جایزه اسکار، نقش آفرین در فیلم‌هایی چون: محله چینی‌ها، شبکه، بانی و کلاید (۱۹۶۱ میلادی)

غروب
ادموند هالی - منجم، فیزیکدان و هواشناس انگلیسی، اولین ارایه‌کننده نظریه تشکیل زمین از لایه‌های مختلف یک هسته (۱۷۴۲ میلادی)
جرج بار کلی - فیلسوف و کشیش ایرلندی، از شاخص‌ترین فیلسوفان ایدئالیست مدرن (۱۷۵۳ میلادی)
دومینیک انگر - نقاش نئوکلاسیک فرانسوی، صاحب آثاری چون: چشمه، حمام ترکی، ادیب و بوالهول (۱۸۶۷ میلادی)
هامفری بوگارت - هنرپیشه و تهیه‌کننده آمریکایی، دارای نام مستعار بوگی، نقش آفرین در فیلم‌هایی چون: شاهین مالت، گازابلانکا، داشتن و نداشتن (۱۹۵۷ میلادی)



بیم‌بهره شدن شد داعش از سر مردم سوریه همچنان عناصر تروریستی چون جبهه النصره، فیلو الرحمن، جيش الاسلام... به آتش افروزی خود در این کشور ادامه می‌دهند. درگیری‌های شدید در غوطه شرقی دمشق بین نیروهای دولتی و تروریست‌ها ادامه دارد و این میان مردم عادی نیز از ترک‌های جنگی به‌نصیب نیستند. عکس: عبدالمنعم عبیسی/ AFP

برش کوتاه

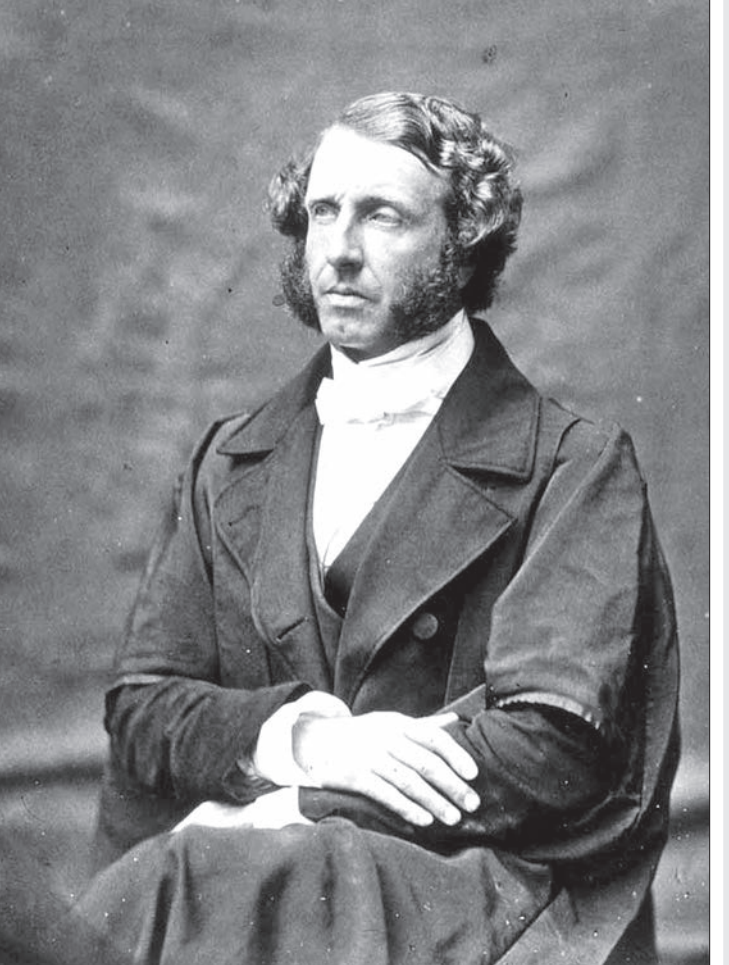
هیچ و پوچ مطلق

گوش تیز کنی و چشم بچرخونی... حالا تو بگو این جا توی همچین اتفاقی می‌شه شعر گفت؟ سوسک‌ها به هر حال خشخاش‌شان را زیر هر پله سر می‌دهند و من چارهای جز لگدمال کردنشان ندارم. گرچه این یک نوع قتل غیر عمد است و من صرفاً در حال دودیدن هستم و فکر اتاق‌های طبقه بالا و فکر آنچه تقدیر بر است و گریزناپذیری. حالا این تقدیر هر چیزی ممکن است باشد. یا یکی از مستاجرهای خودش را از سقف آویزان کرده، یا چاه مستراح اتاق وسطی گرفته، یا سقف اتاق سوم نم پس داده و قصد فرود آمدن دارد یا باز هم گاز نشست کرده و یک نفر توی اتاق چهارم سقط شده و یا... بالاخره یک گندی توی یکی از اتاق‌ها بالا آمده که گریزناپذیری‌اش، زسم را کشیده. تقدیر این است که بدوم و پله‌ها را یکی دوتا کنم و هن و هن و نفس بگیرم و بدهم بیرون و عرق شوره کنم... خوب طبیعی است زیر پای هر دونده‌ای سوسکی، مورچه‌ای، ملخی و حتی مار... نه این یکی دیگر شوخی بردار نیست. سعید هم میانه خوشی با مار جماعت ندارد. همان روزهای آخر ماه که گور خر شده بود، این را فیکدمم برای یک کتاب شعر خریدم تا بتونم بپرسم: چرا یکدکفه گور خر شدی؟! گفت از ترس مار... فقط یک ترس قدیمی نیست، یک جهان‌بینی هزاران ساله می‌خواهد که در هر حال تو واقع می‌کنند تا چشم ببندی و گور خرا به مار ترجیح بدهی!

بخشی از داستان بلند

فوکوس

۱۱۹ سال پیش، برابری چهاردهم ژانویه ۱۸۹۸ میلادی، لوئیس کارول (با نام اصلی چارلز لوتویج دادسون)، کشیش بریتانیایی و از شهرت‌ترین نویسندگان ادبیات کودک جهان در گیدفورد انگلستان درگذشت. کارول علاوه بر تدوین ریاضیات در کالج کرایست چرچ دانشگاه آکسفورد، در عرصه عکاسی هم فعال بود. «آلیس در سرزمین عجایب» (۱۸۶۵) و «آن سوی آینه» (۱۸۷۱) از مهم‌ترین آثار او هستند که همچون دیگر آثار ادبی‌اش با نام مستعار لوئیس کارول منتشر شدند. هر دو، این کتاب‌ها، سفر آلیس، قهرمان دختر داستان را شرح می‌دهند و ماجراهایی را بیان می‌کنند که به صورت نمادین مسیر تحول ذهنی او را در مسیر زندگی‌شان می‌دهد. مهارت کارول در بازی با کلمات، منطق و خیال‌پردازی خوانندگان، از کودکان گرفته تا بزرگسالان ادبی را مجذوب خود کرده و فراتر از آن آثار او معیار در فرهنگ امروزی جای گرفته است.



حرف روز

ضرورت دیدن ماجراهای اخیر در قابی بزرگ‌تر از شانه تخم‌مرغ!



مهدی مالمیر روزنامه‌نگار

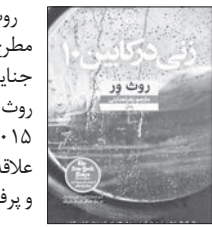
پس از گذشت چند روز از شلوغی‌های روزهای نخست دی ماه، حالا نگرانی قابل درکی در میان تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و فعالان حوزه سیاسی به چشم می‌آید مبنی بر این که: آیا مدیران جامعه پیام‌های آشکار و نهان شلوغی‌های چند روز پیش را گرفته‌اند؟ شواهد گر داگردمان خوشبینی چندانی بار نمی‌آورد و متأسفانه این ادعای گزافی نیست اگر بگویم پیام‌های وقایع اخیر به درستی از سوی مسئولان درک و دریافت نشده است. گواه آن هم رفتارهایی از سر شتاب دولت مثل پایین آوردن نرخ تخم‌مرغ و گران‌نکردن نهایی بنزین و نظایر اینهاست - با این همه بیفزاید سخنان رئیس جمهوری محترم را در جمع هیأت دولت که علت همه رویدادهای اخیر را در نیاز به «دیده‌شدن» شهروندان دانستند و حق مردم به انتقاد را محترم شناختند اما دریغ از سخن فنی و تغییر رویکردی نسبت به نهاد‌های مدنی که جایگاه بنیادی دیده‌شدن مردم در عرصه سیاست به شمار می‌رود!

سخت‌ان رئیس دولت تدبیر و امید، دست‌بالا را که بگیریم از جنس همان «سخن درماتی»‌ها و «حرف ترابی»‌هایی است که به سرعت تاریخ مصرفشان رو به پایان است! این که از حق مردم به اعتراض سخن بگویم اما هنوز احزاب و فعالیت حزبی در کشور ما از کار جدی و پیگیر دور افتاده‌اند، هنر نیست! این که از حق مردم به انتقاد بگویم و تدوین حقوق شهروندی را که جزو شعاری‌های اصلی دولت بود، نرم نمک به باغبانی خاطر‌ها بسپاریم دردی را از جامعه شفا نخواهد داد. دیده‌شدن مردم در میدان سیاست و محترم شمردن حق انتقاد و اعتراض شهروندان، جملگی راه و رسم می‌دارند که از زمان یونان باستان تا به امروز فیلسوفان سیاسی درباره آن گفته و نوشته‌اند و در این زمینه هیچ کم و کسری‌ای ندارد! مردم زدن از حق انتقاد مردم بدون تدارک دیدن ابزارهای بی‌حیوی این حق، خطایی است که دولت محترم می‌باید از آن دوری جوید. وقتی از حق دیده‌شدن مردم یاد می‌کنیم دقیقاً انگشت بر روی چه چیزی می‌فشریم؟ آیا مردم فقط باید در حوس و حوش انتخابات و در صف‌های دراز، رأی‌گیری به چشم ببینند؟! اگر این‌گونه است که صدای سیماسا سال‌هاست به چنین کاری سرگرم است و بعد به نظر می‌رسد مراد مردم از دیده‌شدن

پیشخوان

یک اثر جنایی جدید از نسل جدید

روث و در حال حاضر یکی از نویسندگان مطرح انگلستان است. از او به عنوان نسل جدید جنایی نویسنده‌های جهان یاد می‌کنند. اولین کتاب روث با عنوان «در یک جنگل تاریک تارک» در سال ۲۰۱۵ منتشر شد که به سرعت جای خود را در میان علاقه‌مندان به مطالعه کشود و به عنوان کتاب محبوب و پرفروش در انگلستان و آمریکا شناخته شد. روث و پس از کتاب «در یک جنگل تاریک تارک» کتاب جدیدش با عنوان «زنی در کابین» را در سال ۲۰۱۶ به نگارش درآورد و به چاپ رساند. کتاب «زنی در کابین» محبوبیتی بیش از اثر اول روث و در بر داشت و در لیست کتاب‌های پرفروش دنیا و مهم‌ترین آن‌ها یعنی نیویورک تایمز قرار گرفت. در این داستان جذاب و متعجب که یادآور همان‌های آگاتا کریستی است، لو بلک لاک، خبرنگار نویسنده مجله سفر، مأموریتی کم‌نظیر نصیب می‌شود: مسافرتی یک‌هفته‌ای با کشتی تفریحی او کسی که تنها چند کابین دارد. این کتاب سرشار از ماجراست و توجه کمیته‌های فیلم‌سازی را نیز به خود جلب کرده است. نشر نون پیش از این رمان «در یک جنگل تاریک تارک» از همین نویسنده را نیز با ترجمه شادی حامدی از انتشار منتشر کرده که به تازگی به چاپ دوم رسیده است. «زنی در کابین» در ۱۰ «۳۶۷ صفحه با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۲۹۵۰۰ تومان توسط نشر نون منتشر شده است.



فیلم عامه‌پسند و حواشی حول آن

کتاب «نظر به فیلم عامه‌پسند» نوشته جوان هالووز و مساکر با کوویج قصد دارد اصلی‌ترین رویکردها را درباره تحلیل فیلم معرفی و دانشجویان این رشته را با مباحثه‌های نظری اصلی این حوزه به روشنی و بدون ابهام آشنا کند. در جریان این کتاب نشان داده می‌شود که چگونه این دیدگاه‌ها بر اساس تعریفی که از عامه‌پسندی آرایه می‌کند، ساخته می‌شود. هر فصل کتاب از رویکرد مشخصی سخن می‌گوید و با تعیین جایگاه آن رویکرد در روند تحول رویکردهای تحلیل فیلم رابطه آن را با دیگر مراحل تحول روشن می‌کند اما خواننده باید در نظر داشته باشد این دیدگاه‌ها به‌نحوی که سازماندهی کتاب ایجاد می‌کند قابل تفکیک و از نظر تاریخی منفصل نیستند. برعکس گاه رویکردها پس از آنکه مورد حمله منتقدان قرار گرفته و ظاهر از صحنه خارج شده‌اند همچنان به حیات و تأثیر گذاری خود ادامه دادند. این اثر همچنان کوشیده است تا نقاط اشتراک و همپوشی‌هایی میان این رویکردها را نیز نشان دهد. نظریه‌ای که برخی ویژگی‌های رویکرد دیگر را درمی‌کند احتمالاً برخی دیگر از فرضیه‌های آن را دست‌نخورده باقی می‌گذارد و بدین ترتیب بخش‌هایی از نظریه پیشین را باز تولید می‌کند. چاپ دوم کتاب «نظر به فیلم عامه‌پسند» نوشته جوان هالووز و مساکر با کوویج به ترجمه پرویز اجلائی با شمارگان ۷۰۰ نسخه در ۲۸۴ صفحه به بهای ۲۲ هزار تومان از سوی نشر ثالث روانه بازار نشر شده است.

از هر دری سخنی

انسان کامل

مردی با دوستش صحبت می‌کرد. از او پرسید: «بگو ببینم هیچ وقت به فکر ازدواج افتاده‌ای؟» پاسخ شنید: «فکر که کرده‌ام. جوان کنه بودم، تصمیم گرفتم زن کاملی پیدا کنم. از صحرا گذشتم و به دمشق رفتم و با زن بر حرارت و زیبایی آشنا شدم اما او از دنیا بی‌خبر بود. بعد به اصفهان رفتم، اینجا هم با زنی آشنا شدم که معلومات زیادی درباره آسمان داشت، اما زیبا نبود. بعد به قاهره رفتم و نزدیک بود با دختر زیبا با ایمان و تحصیل کرده ازدواج کنم.» مرد پرسید: «پس چرا با او ازدواج نکردی؟» و پاسخ شنید: «خب رفیق! متأسفانه او هم دنبال مرد کاملی می‌گشت»

مرد خوشبخت

پادشاهی پس از اینکه بیمار شد اعلام کرد: «صفت قلمرو پادشاهی ام را به کسی می‌دهم که بتواند مرا معالجه کند.» تمام دانایان کشور دور هم جمع شدند تا ببینند چطور می‌شود شاه را معالجه کرد، اما هیچ یک نداشتند. تنها یکی از آن‌ها گفت: «هنر فکر کنم می‌توانم شاه را معالجه کنم. اگر یک آدم خوشبخت را پیدا کنید، پیراهنش را بردارید و تن شاه کنید، شاه معالجه می‌شود!» شاه پیک‌هایش را برای پیدا کردن آن آدم خوشبخت فرستاد. پیک‌ها در سرتاسر مملکت سفر کردند ولی نتوانستند آدم خوشبختی پیدا کنند. حتی یک نفر پیدا نشد که کاملاً راضی باشد. آن که ثروت داشت، بیمار بود! آن که سالم بود در فقر دست و پا می‌زد، یا اگر سالم و ثروتمند بود زن و زندگی بدی داشت، یا اگر فرزندی داشت، فرزندانش ناخلف بودند. خلاصه هر آدمی چیزی داشت که از آن گله و شکایت کند. یک شب، پسر شاه از کنار کلبه‌ای محقر فقیرانه رد می‌شد که شنید یک نفر دارد چیزهایی می‌گوید گوش خواباند و شنید: «شکر خدا که کار مرا تمام کرده‌ام. سیر و پرغذا خوردام و می‌تونم دراز بکشم و بخوابم! چه چیز دیگری می‌تونم بخوام؟» شاهزاده خوشحال شد و به سربازان دستور داد که پیراهن مرد را بگیرند و نزد شاه بیاورند و به مرد هم هر چقدر پول بخواهد بدهند. سربازها برای بیرون آوردن پیراهن مرد داخل کلبه رفتند، اما مرد خوشبخت آن قدر فقیر بود که پیراهن نداشت!